پرسش، معمای معماری را رقم می‌زند. اگر غایت خلقت پدیده (یعنی انسان) در تلقی فرویدی، حیوان غیرقابل اعتماد، یا در تلقی راهارد و مازلو، حیوان خودشکوفاست، که چنین حیوانی را طوبله بس است. اما اگر غایت خلقت انسان، به تعبیر قرآن «عبودیت» است، آپارتمان و سوئیت چگونه ظرفیت شکل حیات او را رقم خواهد زد؟ این مباحث البته در دولت و مجلس شورا که نگاه سخت‌افزاری به مسکن دارند نه نگاه فرهنگی و نرم‌افزاری، غریب و عجیب است. آن‌قدر که مسئولان، دغدغه کاهش مصرف انرژی با شیشه‌های دوجداره و عایق‌بندی لوله‌ها را دارند، دغدغه نرم‌افزاری حفظ و صیانت از حرم و حیای ساکنان خانه‌ها را ندارند.

به آموزش و پروش بنگرید: همان‌گونه که ابطال‌پذیری پوپر مبنای تحقیق در نظام آموزش عالی است (البته بدون تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی!)، ژان پیاژه و مازلو نیز مبنای عمل تعلیم و تربیت هستند، باز هم بدون تصویب شورای عالی مزبور. در وزارت بهداشت نیز داروینیسم، نفَس قلب سلیم قرآنی را بریده است. پرسش شما ناظر به جمهوری اسلامی بود، یعنی سبک زندگی آمریکایی یا بورژوایی چه تأثیری بر جمهوری اسلامی خواهد داشت! باید گفت اکنون سبک زندگی بورژوایی بخش‌های عمده‌ای از ساختار جمهوری اسلامی را تشکیل داده و انقلاب فرهنگی موردنظر امام راحل (رحمت‌الله‌علیه) در زدودن بورژوازی باقی مانده از عصر پهلوی هنوز محقق نشده است. اما این‌که این التقاط میان اسلام و بورژوازی چه تأثیری بر مردم دارد، هرچند بی‌تأثیر نبوده و نیست اما نگران نیستم. زیرا بر این باورم که مردم دین خود را از نهادهای گوناگون جمهوری اسلامی ندارند، بلکه جمهوری اسلامی را از ایمان خود دارند. مادامی که این‌گونه باشد، می‌توان امیدوار بود که انقلاب فرهنگی مردمی شکل گیرد و بورژوازی موجود در نهادها و دستگاه‌های جمهوری اسلامی را بزداید.

موقعیت سبک زندگی آمریکایی

یا بورژوایی، در حال حاضر در خود آمریکا با در سایر نقاط جهان چگونه است؟

۱- بستر سبک زندگی بورژوایی، یعنی بیمه و بورس و بانک ربامبنا. ربا که جنگ با خداست، موجب فروپاشی اقتصاد ربوی ایالات متحده شده و شکست آمریکا در جنگ با خدا قطعی و حتمی است. نظام سرمایه‌داری بدون اقتصاد خود چه بُعد الهام‌بخشی در سبک زندگی بورژوایی برای ارائه خواهد داشت؟

۲- بدهی ۱۴/۵ تریلیون دلاری آمریکا، چهره واقعی سبک زندگی آمریکایی است.

۳- به گزارش تلویزیون راشاتودی در سال قبل، که در رسانه‌های داخلی انعکاس گسترده‌ای یافت، ایالات متحده ۲۵ میلیون وب‌سایت رسمی پُرن ایجاد کرده است. یعنی به ازای هر ۱۳ نفر آمریکایی، یک وب‌سایت پُرن. این بُعد اجتماعی - اخلاقی انسان خودشکوفای ارهارد - مازلو در سبک زندگی بورژوایی است که کلام خمینی کبیر (رحمت‌الله‌علیه) را تداعی می‌کند: آمریکا، ام‌الفساد قرن. تمدن بورژوایی آمریکا، مادر همه فسادها در جهان است که گزارش راشاتودی تنها یک برگ و جلوه از آن است.

۴- حمایت آمریکا به‌عنوان مهد سبک زندگی آمریکایی از دیکتاتوری‌ها در بحرین، یمن، مصر، عربستان، اردن، مراکش و غیره، خوشبختانه چنان‌چهره او را در میان مردم این کشورها مخدوش کرده که زدودن خاطره آن از نسل‌های کنونی و آتی این سرزمین‌ها، دهه‌ها به طول می‌انجامد. اکنون دو نوع طغیان علیه سبک زندگی بورژوایی در حال انجام است: طغیان مردم اروپا علیه این سبک زندگی ناکارآمد، و طغیان مردم مسلمان در جهان عرب علیه این سبک زندگی هژمون و متجاوز.

۵- وجود بیش از ۱۵ هزار کلاهک اتمی در دست ارتش آمریکا، از مجموع ۲۷ هزار کلاهک اتمی موجود در جهان، معرف چهره سبک زندگی بورژوایی این کشور و تمدن غرب است.

۶- این‌که در ۱۶۰ سال اخیر، تنها نمایندگانی از دو حزب در آمریکا به کاخ سفید راه یافته‌اند، نمایانگر چهره واقعی سبک زندگی بورژوایی است.

۷- نهاد فروپاشی شده خانواده در غرب، چهره رئال سبک زندگی بورژوایی است.

۸- سبک زندگی بورژوایی نیز همچون سبک زندگی مارکسیستی به تاریخ خواهد پیوست. اما حسرت آن برای کسانی می‌ماند که اکنون در ایران آن را دو دستی چسبیده‌اند. البته موارد متعددی را می‌توان برشمرد. اما واقعیت این است که سبک زندگی بورژوایی، همچون یک قالب یخ که در ظهر تابستان در آفتاب قرار گرفته است، به‌سرعت در حال ذوب شدن است.

از شما نقل شده است که در مکتب چهارم امنیتی، همچون عمل‌کرد صدف که وقتی سنگ کوچکی به درون آن می‌غلتد، از جوهر خود به آن ترشح می‌کند و آن را به مروارید تبدیل می‌کند، در تهدیدهای فرهنگی کنونی مانند سبک زندگی آمریکایی نیز، مردم ایران، آن را مصادره می‌کنند؟!

بله! این تلقی در مورد ظرفیت فرهنگی مردم مسلمان ایران در مطالعات امنیتی در جهان زبان‌زد است. مدل ایران در مواجهه با تهدید همواره این بوده است که تهدید را درمی‌یابد و می‌بلعد، و به مرور با ترشح جوهر و ذاتیات خود به آن، از تهدید یک مروارید گران‌بها برای خود می‌سازد. اسکندر پس از حمله به ایران با لباس ایرانی از این سرزمین بیرون رفت. مغول‌ها در ایران مسلمان شدند و سپس به‌سمت هند برای حکومت رهسپار شدند. عرب‌ها، اسلام را که به ایران آوردند هیچ‌گاه فکر نمی‌کردند نخستین جمهوری اسلامی پس از صدر اسلام در این سرزمین شکل بگیرد و مردم این کشور، مدافعان حقیقی اسلام شوند. در دوره اخیر نیز، تهدید رژیم بعثی صدام، موجب شکل‌گیری و قوام شجره بسیج مستضعفین بود که در جهان کنونی، مقتدرترین ارتش معنوی و ایمانی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. در مقابل شیوع بیماری سبک زندگی بورژوایی، در درون نهادهای جمهوری اسلامی نگران باشید، اما با این ظرفیت فرهنگی، از شیوع این بیماری در میان خود مردم، هیچ دل‌واپسی به خود راه ندهید. تا ایمان این مردم هست، جمهوری اسلامی هم خواهد بود. ان‌شاءالله □

ذره‌بین

- وقتی بشر اصالت یافت و حق او مبنا قرار گرفت، از این حق، پدیده‌ای شکل می‌گیرد به نام سبک زندگی. در واقع هفت میلیارد بشر ساکن کره زمین، هفت میلیارد «حق خود» مبتنی بر «لسه‌فر» را در پی دارد، یعنی هفت میلیارد سبک زندگی
- وقتی استیل و سبک زندگی شکل گرفت اکنون آن زندگی یک دین است: سبک زندگی به مثابه دین. پس سبک زندگی بورژوایی، به تنوع و تکثر دین برآمده از آن می‌انجامد، از این‌جا پلورالیسم دینی و کثرت‌گرایی در دین، مبتنی بر کثرت در سبک زندگی پدید می‌آید
- سیر حرکت از خدامحوری به حق خدا، و سپس به دین، و در نهایت به سیره و روش زندگی برآمده از دین حنیف، «حیات طیبه» نامیده می‌شد
- در سبک زندگی بورژوایی، سبک زندگی به‌مثابه دین است، اما در اسلام، دین به مثابه سبک زندگی است
- اکنون در جمهوری اسلامی، بیش از ۵۰ درصد نهادهای رسمی، مروج و مقوم سبک زندگی بورژوایی هستند و اتفاق خاصی نیفتاده است
- نگاهی به وضعیت آگهی‌های بازرگانی در تلویزیون، روزنامه‌ها و بیل‌بوردهای سطح شهرها ببندازید، تا عمق عمل شاگردان ادوارد برنیز در ترغیب مردم به مصرف‌گرایی و تعمیق سبک زندگی بورژوایی را ببینید
- اگر غایت خلقت پدیده (یعنی انسان) در تلقی فرویدی، حیوان غیرقابل اعتماد، یا در تلقی ارهارد و مازلو، حیوان خودشکوفاست، که چنین حیوانی را طوبله بس است

از انسان قابل اعتماد تا خودشکوفا

برای ساخت انسان مرجنت و تقویت جامعه بورژوا در آمریکا

نمودار زیر روند تحولات فرهنگی، تئوریک، اقتصادی اجتماعی، سیاسی نظامی، سیاسی اداری و روسای جمهوری جامعه آمریکایی از سال ۱۹۱۵ تا ۲۰۰۱ را نشان می‌دهد

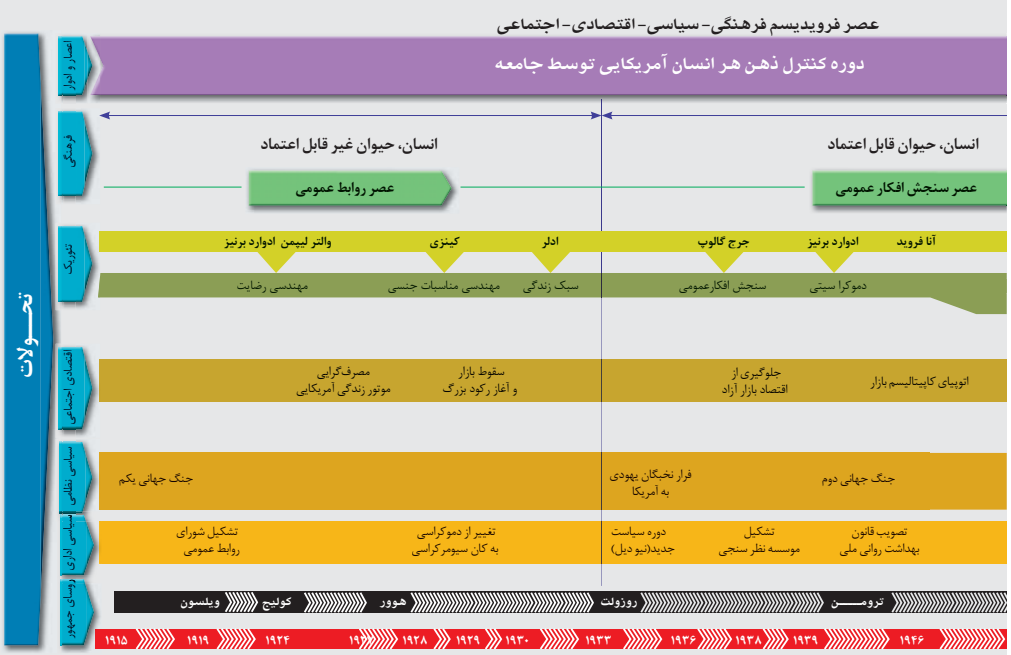

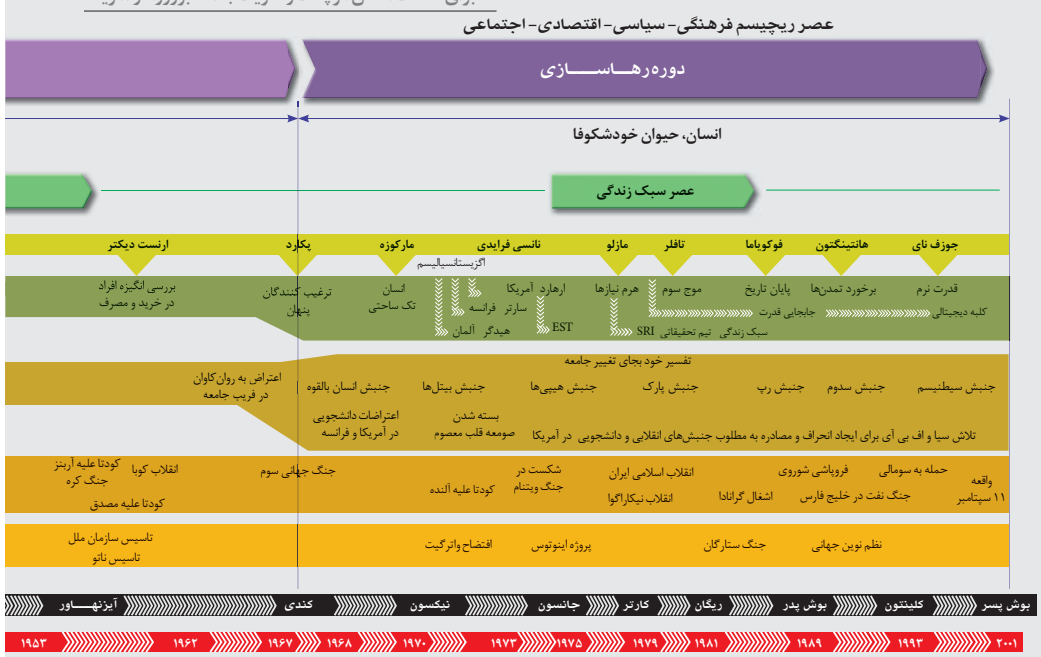

بنابر گزارش کورتیس، در اواسط دهه ۱۹۶۰ مردم به فریب‌کاری روان‌کاوان اعتراض کردند و آن‌ها را شیاد خواندند. البته نیم قرن بعد یعنی در ابتدای دهه ۱۳۹۰ در ایران امروز، روان‌شناسان به‌جای معلمان اخلاق نشسته‌اند و از منزلت مشابه دهه‌ی ۱۹۵۰ ایالات متحده برخوردارند؛ یعنی نیم قرن عقب‌ماندگی، که بروز آن را در سریال ساختمان پزشکان دیدید